

پاسخ‌های اساسی به
پرسش‌های دشوار درباره‌ی
فرزندخواندگی

آنچه کودکان باید بدانند

سرشناسه : هرلم، فانی کوهن

Herlem, Fanny Cohen

عنوان و نام پدیدآور : پاسخ‌های اساسی به پرسش‌های دشوار درباره‌ی فرزندخواندگی: آنچه کودکان باید بدانند/ نویسنده فانی کوهن هرلم؛ مترجم محسن جزایری؛ ویراستار معصومه اکبری.

مشخصات نشر : تهران: آندیشه نی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۸۹ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک : 978-600-92306-8-6

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : عنوان اصلی : Great answers to difficult questions about adoption: what child need to know, 2009.

یادداشت : چاپ قبلی: گیس، ۱۳۸۹.



موضوع : Adopted

موضوع : فرزندخواندگان -- والدین

موضوع : adoptive parents

موضوع : پرسش و پاسخ

موضوع : Questions and answers

شناسه افزوده : جزایری، محسن، ۱۳۲۰ -

شناسه افزوده : اکبری، معصومه، ۱۳۴۶ -، ویراستار

رده بندی کنگره : HV۷۷۵/۵۴پ۲ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی : ۶۴۹/۱۴۵

شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۴۶۶۷۳



انتشارات اندیشه نی

پاسخ‌های دشوار به پرسش‌های اساسی دربارهٔ فرزندخواندگی

آنچه کودکان باید بدانند نویسنده: فنی کوهن هرلم

مترجم: محسن جزایری

راستار: معصومه اکبری

طراح جلد: صفحه آرا: مریم بیرقی

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

سال چاپ: ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۰۰-۸-۶

تهران - اکباتان - کوی ارم - خ بهمن - کوچه یونان - پلاک ۸۱ - طبقه ۲۱

تلفن: ۶۰۰۲۵۷۲۴



فهرست مطالب

■ مقدمه ی ناشر

■ مقدمه ی مترجم

■ بدنی گفتار

■ بخش یکم: چرا ترا ترکم کردند؟ ممکن است دوباره رخ دهد؟

■ بخش دوم: چرا مرا برگزیدند؟

■ بخش سوم: چرا مرا برگزیدند؟

■ بخش چهارم: اکنون من دیگر نه بوده‌ای هستیم، مانند همه!!

■ بخش پنجم: همه می‌گویند من مرگ دارم!

■ بخش ششم: نام من از کجا آمده؟

■ بخش هفتم: پدر و مادر واقعی من چه کسانی هستند؟

■ بخش هشتم: من کجایی‌ام؟

■ بخش نهم: گاهی فرزندخوانده بودن دشوار است

■ بخش دهم: بزرگ که شدم چه خواهد شد؟

■ بخش یازدهم: بزرگ که شدم می‌توانم فرزندخوانده‌ای داشته باشم؟

■ پیوسته ۱: نکته‌هایی که کودکان باید بدانند

■ پیوسته ۲: یادداشتی فقط برای پدر و مادرها

مقاله‌ی ناشر

... شاید اگر ترس از پاسخگویی به پرسش‌های فرزندان و اطرافیانمان نبود بسیار زودتر از این‌ها تصمیم می‌گرفتیم فرشته‌ای را به خانه‌ی خود بیاوریم.

سالانه مبلغ زیادی در ایران صرف درمان ناباروری می‌شود و تبلیغات وسیعی نیز در این زمینه صورت می‌گیرد. این تبلیغات فقط از طریق نهادهای دولتی نیست، بلکه دوستان و آشنایان افراد نابارور نیز مدام تلاش می‌کنند تا آنان را قانع کنند که باید به درمان ناباروری بپردازند و خود صاحب فرزند شوند و در این میانه، پذیرفتن فرزندخوانده مورد بی‌مهری و بی‌توجهی واقع شده است؛ حال آنکه این روش پسندیده بسیاری از مناسبات انسانی و اصلاح روابط اجتماعی نیز کمک می‌کند. کوتاهی از چه کسی است؟

شایان ذکر است که با تمام مطالبی که گفته شد، متأسفانه فرزندخواندگی در کشور چندبرابر کودکان دارای شرایطی که پیرامون این مسئله در جای خود بحثی مفصل لازم دارد.

حالا که فرزندخوانده‌ای به خانه‌ی ما آمده چه پاسخی برایش می‌دهیم؟ او را چگونه او را به خانواده معرفی کنیم؟ اطرافیان او چه برخوردی خواهند داشت؟ چه چیزهایی ممکن است بشنود؟ چه چیزهایی می‌داند؟ چه افکاری در سر دارد؟ چه چیزهایی از قبل به یاد دارد؟ چه چیزی را اول خواهد پرسید؟ در مدرسه با چه مشکلاتی روبه‌روست؟ چه پاسخی به پرسش‌های دوستانش خواهد داد؟ دوستانش با او چه رفتاری خواهند کرد؟ ... و این ماجرا آنقدر ادامه می‌یابد و پیچیده می‌شود که شما تصور می‌کنید حق دارید و سزاوار است حقیقت را مخفی نگاه دارید، اما در واقع، پنهان کردن این موضوع از حقوق ما نیست و ما اجازه نداریم واقعیات زندگی دیگری را از او پنهان کنیم، هرچند بهانه‌مان این باشد که می‌خواهیم او را از اندوه یا رنج دور نگاه داریم.

پنهان کاری نهاده شده در جامعه، همکاری نکردن خانواده‌هایی که فرزندخوانده می‌پذیرند، همکاری نکردن مقامات مسئول و مشاوران و پزشکان، که ظاهراً دلایل موجه فرهنگی دارد، موجب می‌شود که همچنان پاسخی برای پرسش‌هایمان نداشته باشیم. حال آنکه پذیرش فرزندخوانده امری است که شادی و سلامت را به خانواده می‌آورد و به حفظ تعادل اجتماعی کمک می‌کند، اما متأسفانه هنوز راه درازی در پیش است تا به آن جایگاه آرمانی برسیم که جامعه با پذیرش فرزندخوانده به شیوه‌ای خردمندانه و انسانی کنار بیاید.

کتابی که پیش رو دارید ترجمه‌ای از متنی انگلیسی است و پاره‌ای مطالب آن دربارهٔ ایران و کودکان ایرانی شاید صادق نباشد، اما خواندن کتاب و آگاهی از مطالب آن برای هر خواننده‌ای مفید است.

نظر به اینکه سرآمد دارد، به کمک مؤلفان صاحب‌نظر، کتاب‌های دیگری را در این زمینه به چاپ رساند، از همه‌ی پزشکان، روان‌پزشکان، مقامات مسئول و مددکاران بهزیستی و خانواده‌هایی که فرزندخوانده‌ای دارند، خواهشمند است به هر شیوه‌ای که ایلا ند ما را یاری دهند تا هم تصورات نادرست درباره‌ی فرزندخواندگی، که ناشی از ناآگاهی جامعه و توهمات بی‌اساس است، اصلاح شود و هم منابع بی‌سری در این زمینه در اختیار همگان قرار گیرد. باشد که در سراسر میهن عزیزمان نه پدر و نه پدرو، نه فرزند، نه فرزندی بدون پدر و مادر و نه پرستشی بدون پاسخ بماند.

عزیزانی که مایل به همکاری در این زمینه هستند می‌توانند با ایمیل nashr.gisa@gmail.com تماس بگیرند.

در پایان از خانم دکتر سحر طاهباز، که در تهیه‌ی این کتاب همیانه مرا را همراهی کردند، تشکر و قدردانی می‌کنم. نیز سپاس‌زارم از خانم معصومه اکبری که ویراستن و پیراستن متن را بی‌دستمزد مادی و وسط‌بند عشق به کودکان پذیرفت. کودکانی که زیباترین بهانه برای تولد این کتب بودند.

ناشر

مقدمه‌ی ترجمه

ترجمه‌ی گویند رسم فرزندخواندگی با امپراتوری روم شروع شد و اگرچه در "مجموعه‌ی قوانین امپراتوری روم"، که در حدود سال‌های ۵۲۸-۵۲۹ م به فرمان ژوستینیان تهیه شد، قوانین و حدود آن تعیین و تدوین شده بود، اما ناگفته نماند که گذاشتن که این رسم تاریخچه‌ای بس قدیمی‌تر دارد و برای مثال در لوح حدودانی که در ۱۷۹۰ پیم تنظیم شده، جزئیات حقوق پدر و مادر خوانده مشخص داده شده است. ضمناً این رسم در چین و هند باستان نیز شناخته شده بوده است.

امپراتوری روم را مردان خانواده‌ای ام‌شما‌ی، که قدرت سیاسی را در اختیار داشتند، اداره می‌کردند. این خانواده‌ها گاه فرزند پسری برای تضمین تداوم شرکتشان در قدرت داشتند و در عین حال، برای حفظ و نگاه‌داری امپراتوری، وظیفه‌ی داشتن جانشین مناسب بر عهده‌شان بود. رسم پذیرفتن فرزندخوانده در جهت اطمینان از انجام یافتن تعهد به نگاه‌داشت و تداوم امپراتوری و داشتن جانشینی مناسب عمل می‌کرد. جالب توجه اینکه پسرخوانده معمولاً از میان مردان خانواده‌های قدرتمند دیگر انتخاب می‌شد. به این ترتیب که در میان این خانواده‌های حاکم آن که فرزندان پسر متعددی داشت، گاه یک یا چند تن از آنان را به خانواده‌های دیگر می‌سپرد و بدین‌گونه این رسم در خدمت تداوم و بقای امپراتوری و نزدیک شدن خانواده‌های قدرتمند به هم بود. معمولاً پسری که به خانواده‌ی دیگری سپرده می‌شد، بزرگ‌ترین فرزند خانواده بود که سلامتی جسمی و روانی‌اش مسلم باشد. البته داشتن فرزندخوانده بسیار گران تمام می‌شد و به همین علت "کیفیت" وی می‌بایستی تضمین شده باشد. این رسم در روم باستان پذیرفته شده بود و فرزندخوانده ضمن آنکه عضو کامل خانواده‌ی جدیدش می‌شد روابط خود را با خانواده‌ی واقعی‌اش نیز حفظ می‌کرد.

آنچه درباره‌ی فرزندخواندگی در روم باستان باید در نظر داشت آن است که این رسم و آیین ضرورتی بوده که در آن منافع کودک به هیچ وجه در نظر گرفته نمی شده و اصل منافع امپراتوری و پدرخوانده بوده است. در سده‌های میانه این رسم و آیین روند و روالی متنوع و متفاوت با گذشته طی کرد. گاه از پسرخوانده‌ها به مثابه‌ی برده و یا دست کم "شاگرد، کارآموز" و از دختران نیز برای امور خانه‌داری و خدمات دیگر استفاده می شد. کلیسا در تحول نظام فرزندخواندگی، قانونمند کردن آن و قائل شدن حق و حقوق برای فرزندخوانده‌ها بسیار مؤثر بود. در گذر به سوی آنچه این روزها دموکراسی غربی شناخته می شود نظام فرزندخواندگی نیز دستخوش تحولات شگرفی شد.

در دوران با قراردادها و پیمان نامه‌های بین المللی و البته قوانین کشورها روند و ارتباط پدرش فرزندخوانده و روابط آنان با خانواده‌های جدیدشان را تا حد ممکن تعیین و تبیین می کنند که مهم ترین تفاوت آن با گذشته همانا در نظر گرفتن همه جانبه منافع فرزندخوانده و ارجح بودن آن بر حقوق پدر و مادر خوانده است. ضمن آنکه امروز پذیرش کودکی در خانه و کمک به رشد مناسب و نیاز و شاید ضرورتی حیاتی باشد؛ از یک طرف خانه و خانواده بی شک میسر و مناسب تری برای رشد کودکانی است که به امید خدا رها شده اند و متأسفانه شماشان نیز کم نیست، و از طرف دیگر چه بسا خانواده‌هایی که در آرزوی داشتن فرزندی هستند و تنها راه تحقق آرزویشان پذیرفتن کودکی به فرزندخواندگی است.

و اما درباره‌ی این کتاب دو نکته گفتنی است. اول آنکه این کتاب به زبان دیگری و برای فرهنگ دیگری نوشته شده است. باید نکاتی از آن با فرهنگ و عرف جامعه‌ی ما مطابقت نداشته باشد. در این باره باید گفت که مطالب مورد بحث در کتاب بسیار کلی است. رده‌های آن‌ها، و به ویژه کودکان، اگرچه از فرهنگ‌های متفاوتی باشند، آن قدر به هم نزدیک است و پرسش‌ها و مسائل و مشکلاتشان از جنس یگانه‌ای است که می توان کتابی این چنین کلی را تا حدودی جهان شمول دانست. در عین حال پرسش‌های مطرح شده بسیار بنیادین و اساسی اند و برای هر کسی که به مقوله‌ی فرزندخواندگی علاقه مند است، می تواند نقطه‌ی شروع خوب و مفیدی باشد؛ حال چه متقاضی باشد و چه این امر برایش موضوعیت اجتماعی یا روان شناختی داشته باشد.

دو دیگر آنکه خانم معصومه اکبری، ویراستار کتاب، در واقع کاری بسیار فراتر از ویراستاری انجام دادند تا جایی که شاید بتوان گفت بخش‌هایی از متن ترجمه شده‌ی کتاب را تا حدودی بازنویسی کردند که از ایشان بسیار سپاس‌گزارم. البته از آنجا که ایشان در ترجمه هیچ دخالتی نداشته‌اند و تصمیم نهایی درباره‌ی آنچه در متن می‌آید نیز بر عهده‌ی من بوده طبیعی است که مسئول هر بدنویسی یا اشتباهی در متن من باشم.

در پایان از انتشارات گیسو، که متن انگلیسی را در اختیارم قرار داده و اکنون نیز آن را به چاپ رسانده‌اند، سپاس‌گزارم.

محسن جزائری

پیش‌نقار

سبب در پیچه‌ی فرزندخواندگی پیشینه‌ای پرماجرا دارد. تاریخ و افسانه از روزگاری به قدمت عصر رومولوس و رموس،* دو برادری که برپایه‌ی اسطوره‌ها شهر رم را پایه‌گذاری کردند، نام بسیاری از "فرزندخوانده‌های" مشهور را ثبت کرده است. در ادبیات و اساطیرها از فرزندخواندگان بسیاری نام برده شده است. البته بیشتر فرزندخوانده‌ها آواز را نمی‌یابیدند، از اینکه زندگی خود را در گمنامی به سر برند راضی‌اند. برخی نیز، به رغم درد و رنجی که ممکن است در پی داشته باشند، برای شناخت هویت خویش به جست‌وجو می‌پردازند.

فرزندخواندگی به‌طور کلی روندی بسیار پیچیده و حساس است و حقایق اساسی بسیاری را درباره‌ی پدر و مادر شدن مطرح می‌کند. پذیرش کودکی در خانواده، تعهد به فراهم کردن زمینه‌های لازم برای خوشبختی، آسایش، آرامش، و رشد ذهنی و عاطفی وی است. به دیگر سخن پذیرش کودک به فرزندخواندگی به منزله‌ی پذیرش مسئولیت برای زندگی وی و بریزه‌ریزندگی کودک با ساختار خانواده است.



احساس طرد شدن

فکر ترک یا طرد شدن در همه‌ی گفت‌وگوها و جستارهایی که درباره‌ی فرزندخواندگی صورت می‌گیرد، مطرح می‌شود. طرد به‌طور کلی نه تنها برای طردشونده که برای طردکننده نیز، دردناک است؛ احساسی که دیر یا زود و معمولاً وقتی فرزندخوانده از خانواده‌ی تازه‌اش می‌پرسد کی، چگونه، چه کسی و سرانجام چرا او را رها یا طرد کرده‌اند، پیش می‌آید. پرسش‌هایی از این دست معمولاً زمینه‌ساز پرسش‌های

* در اسطوره‌های سازندگان شهرها، رموس و رومولوس دو برادرند که روم را پایه‌گذاری کرده‌اند. این دو فرزند شاهزاده‌ی تروا هستند که بعد از نابودی آن شهر، غمویشان رهاییشان می‌کند تا از بین بروند. اما ماده گرگی آن‌ها را یافته، شیرشان می‌دهد و بزرگشان می‌کند. مارس، خدای جنگ در اساطیر رومی، نیز آنان را به فرزند خواندگی می‌پذیرد. این دو برادر بعدها، شهری را بنیان می‌نهند که با گذشت زمان به امپراتوری بزرگ روم تبدیل می‌شود.

دیگری است که برخی بسیار مستقیم و برخی هوشمندانه‌ترند. هنگامی که کودک چنین پرسش‌هایی می‌کند، پدر و مادرها اگرچه تلاش می‌کنند تا آمادگی لازم برای پاسخ‌گویی به چنین پرسش‌هایی داشته باشند، بیشترشان غافل‌گیر می‌شوند. بخشی از این غافل‌گیری شاید از آنجاست که پرسش‌ها در نامعمول‌ترین و نامستظرترین موقعیت‌ها مطرح می‌شوند؛ در حال پرداخت صورت حساب فروشگاه و یا مثلاً وقتی در صف انتظار اتوبوس ایستاده‌اند! شمار مادرانی که گفته‌اند پیش از آنکه فرصت سرهم کردن پاسخی داشته باشند کودک به موضوع کاملاً متفاوتی پرداخته است، در یادم نیست. خانواده‌ها مسلماً بر این باورند که در همه‌ی موارد بهترین کاری را که می‌توانسته‌اند، کرده‌اند اما کودک هم نیاز ناگزیری دارد که بداند انجام از "کجا" آمده است.

کودکان به‌تدریج به‌تدریج در رویا برای خود پدر و مادری را، به‌جز آن‌هایی که هستند، تصور می‌کنند و آن‌ها را که شاید شاه و شهبانو باشند "واقعی" پنداشته، خود را شاهزاده به‌مار در آورند. این همان چیزی است که فروید آن را اختراع "تاریخچه‌ی خانوادگی" می‌نامد، اما درباره‌ی فرزندخوانده‌ها، پدر و مادر واقعی با پدر و مادری که آنان را بزرگ می‌کنند، واقعاً متفاوت‌اند. پذیرش این حقیقت چه بسا که برای کودک به‌آسانی دشوار باشد. کودکان در هر سن و سالی، هر قدر هم کم، خواهان حقیقت‌اند. آنان برای داشتن تصویری از خود به کشف و دانستن چیزهایی درباره‌ی خود و گذشتگان نیاز دارند تا بدین ترتیب قادر به دریافت و ساخت تاریخچه و هویتی تازه باشند. این یکی از الزامات بزرگ شدن است. پدر و مادر خوانده‌ها نیز می‌باید در نظر داشته باشند که درباره‌ی کودک چیزهایی را نمی‌دانند و یا نمی‌دانسته‌اند؛ به‌ویژه تجارب کودک پیش از فرزندخواندگی، که دربرگیرنده‌ی احساسات وی درباره‌ی پدر و مادر بیولوژیکش می‌شود. آن‌ها باید تصمیم بگیرند در چه سنی و چگونه این موارد را با کودک مطرح کنند. به عنوان یک قانون کلی، بهترین زمان، زمانی است که کودک پسین پرسش‌هایی را مطرح می‌کند و توان جذب و درک کامل پاسخ‌های داده شده را نیز دارد.

همه‌ی کودکان می‌پرسند، چه فرزندخوانده باشند چه نه

کودکان دربرابر دگرگونی شرایط در محیط زندگی خود و اطرافیانشان، به‌ویژه وقتی برادر یا خواهر کوچکی وارد می‌شود، واکنش نشان می‌دهند. در برخی موارد با این نوآمدگان احساس یگانگی می‌کنند، اما گاهی هم آنان را به‌گونه‌ای "متفاوت" می‌بینند و برای پذیرش آنان مشکلات بسیار دارند.

کودکان پرسش‌هایی می‌کنند و برعهده‌ی پدر و مادرهاست که تا حد امکان پاسخ‌های واقعی بدهند، در عین حال بیش از آنچه ضروری است وارد جزئیات نشوند؛ برای مثال وقتی کودکی می‌پرسد نوزادان از کجا می‌آیند پاسخ باید برای سن و توانایی درک وی مناسب باشد. با گذشت زمان پرسش‌های کودک دقیق‌تر و پیچیده‌تر می‌شود و پدر و مادر نیز می‌باید به بهترین روش ممکن پاسخ دهند.

موضوع فرزندخواندگی ذهن و کلا، قانون‌گذاران، روان‌شناسان، فعالان حقوق کودکان، اعضای انجمن‌ها و گروه‌های اولیا و سرانجام همه‌ی دستگاه‌های اداری و نهادهای دیگر می‌کند. هدف نهایی این کتاب کمک به گفت‌وگو بین فرزند و پدر و مادر و ساختن زمینه‌ای مناسب برای گفت‌وگو درباره‌ی مبحث پیچیده و در عین حال بسیار حساس است. امید است پرسش و پاسخ‌هایی که در بخش‌های کوتاه کتاب مطرح می‌شود از وضعیت‌های واقعی گرفته شده هم برای پدر و مادر و هم برای کودکان سودمند باشند، اما هشدار می‌دهم که پیرومادرها نیز لازم است همیشه به یاد داشته باشند که به ترتیب و در هر وضعیتی شما پدر و مادرید و آن‌هایی که می‌پرسند نهایت فقط کودک‌اند.

لی‌ئو: یک مورد متمایز

لی‌ئو را به دلیل آنکه در مدرسه مشکل است پیش من آوردند؛ هشت سالش بود. وی و برادر دوقلویش اهل یکی از کشورهای اروپای شرقی بودند و در دو سالگی به فرزندخواندگی پذیرفته شده بودند. لی‌ئو همان طعم که به درخواست من نقاشی می‌کرد، گفت: ما هشت سالمان است و فرزندخوانده‌ایم. من پیش از آنکه چیزی بگویم اندکی خاموش ماندم: "و در این باره چه احساسی دارید، منظورم فرزندخوانده بودن است؟" لی‌ئو گفت: "حائمی آمد. ما هفت ساله بودیم و بعد مادرم آمد و به او گفت: "ببین، این یکی لی‌ئوست و آن یکی برادرش. این نماد دستان بود!"

روشن است که این گفت‌وگوی کوتاه بسیار گویاست. کافی است به بزرگ‌ترها یادآوری شود که این نه تنها ممکن است شرح زندگی گذشته‌ی کودک از زبان خود وی، آن‌گونه که برایش نقل شده است، باشد، بلکه بیانگر مشکلی در درک معنای واقعی آنچه بر وی رفته، نیز هست.